

بختاریها و نفت

«اولین گامها ۱۹۰۵-۱۹۰۰م / ۱۳۲۳-۱۳۱۹ق»

سید علیرضا ابطحی فروشانی

واگذاری امتیاز نفت به داری و پس از آن کشف نفت در جنوب ایران، منشأ تحولات و فراز و نشیب بسیاری در اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران شد. اکنون پس از گذشت یک قرن از واگذاری امتیاز، عمده‌ترین منبع درآمد دولت ایران را فروش نفت تشکیل می‌دهد.

شناخت مراحل پرفراز و نشیبی که از هنگام واگذاری این امتیاز تاکنون طی شده می‌تواند راهی برای روشن‌تر شدن مسیر گذشته و برنامه‌ریزی طی مسیر آینده باشد. کشف نفت در جنوب ایران وضعیت سیاسی، جغرافیایی و موقعیت بین‌المللی ایران در صحنه رقابت بین دولتهای اروپایی را دگرگون ساخت. این دگرگونی، در مورد مناطق جنوب غربی ایران (به ویژه خوزستان که در بخشهای شمالی آن ایل بختاری مستقر بودند)، شدیدتر بود. بنابراین با واگذاری امتیاز نفت و کشف آن، پای بختاریها به میدان مسائل مربوط به نفت کشیده شد.

با نگاهی به منابع می‌توان دریافت که تاکنون مطالب بسیاری درباره نفت به قلم نویسندگان خارجی و ایرانی به رشته نگارش در آمده است. کتابها و مقالات نوشته شده به زبانهای دیگر نیز عمدتاً به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. این موضوع درباره بختاریها نیز صدق می‌کند، بدین معنی که کتابها و مقالات بسیاری را درباره بختاریها می‌توان یافت که به تاریخ سیاسی و اجتماعی ایل بختاری، گذشته و فعالیت بختاریها در جریان انقلاب مشروطه و یا سرگذشت خانهای معروف و مشهور بختاری اختصاص یافته‌اند؛ ولی خلأ مربوط به بختاریها و نفت و بررسی ارتباط بین این دو موضوع در منابع خارجی و ایرانی چشمگیر است. بنابراین، برای پر کردن این خلأ استفاده از اسناد اجتناب‌ناپذیر بلکه ضروری است.

مقاله «بختاریها و نفت» کوششی برای پر کردن این خلأ و اولین گام در این راه با استفاده از اسناد است و از دو بخش تشکیل یافته:

الف - مقدمه که در آن به اختصار، پیشینه بختاریها و حدود قلمرو آنها، و تاریخچه روابط بختاریها و انگلیسیها تا قبل از واگذاری امتیاز نفت شرح داده شده است؛

ب - متن اصلی مقاله که اولین گامهای برداشته شده توسط گیرنده امتیاز، داریسی، و بختاریها را که منجر به توافق و عقد قرارداد بین آنها شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

مقدمه

بختاریها، قومی که آنها را از بازماندگان سپاه اسکندر مقدونی دانسته اند و وجه تسمیه آنها را به این جمله سکنه بومی ایران زمین نسبت می دهند که به بازماندگان سپاهیان پیروز اسکندر گفتند: «شما در فتح ایران هنری نکردید بلکه بخت یار شما بود.»^۱ دیگری آنها را ساسانی الاصل و از بازماندگان پادشاهان آل بویه به حساب آورده است. «این ایل جلیل نسبشان به ملوک بویه، که ساسانی الاصلند، می رسد و سرسلسله ایشان عزالدوله بختیار است»^۲ بنا بر قوی ترین استدلال، بختیاری نام طایفه ای از مجموعه طوایفی موسوم به هزار اسب است که از «جبل السماق» منطقه ای در شامات، سوریه کنونی، به دعوت ابوالحسن فضلوی سرسلسله اتابکان فضلویه، به ایران خوانده شدند.^۳ این قوم دارای دو شاخه یا شعبه اصلی به نامهای هفت لنگ (هفلنگ) و چهارلنگ (چارلنگ) هستند. ریشه این انشعاب و جدایی به دو شعبه به درستی معلوم نیست ولی اکثر نویسندگان، این نامها را مأخوذ از لنگ، نصف جفت یا یک اصطلاح مالیاتی رایج در دوره صفویه می دانند که چون سهم ایل بختیاری از پرداخت مالیات، سه سرمدیان برابر با دوازده دست و پا یا دوازده لنگ بوده است، تعلق هفت لنگ از مالیات به بخش بزرگ تر

۱. برای اطلاع از دیدگاههای گوناگون می توان به کتب ذیل مراجعه نمود:

۱. علی قلی بختیاری و عبدالحسین لسان السلطنه، تاریخ بختیاری، تهران، اساطیر، ص ۴۹؛ غلامرضا میرزایی، بختاریها و قاجاریه، شهر کرد، ایل، [۱۳۷۳]، ص ۸۷-۸۴، جن رالف گارثویت، تاریخ سیاسی - اجتماعی بختیاری، مهاباد امیری، تهران، سهند، ۱۳۷۳، ص ۸۸-۸۱، و لایارد و دیگران، سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان، مهاباد امیری، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۷۱، ص ۲۲۴-۲۲۲. این کتاب مجموعه ای از شش سفرنامه که توسط لایارد، بیشوپ، لینچ و ... نوشته شده است و بخشی از آن نیز به توضیحات مترجم اختصاص دارد.
۲. علی قلی بختیاری، تاریخ بختیاری، ص ۴۹.
۳. م. الیعا، «چند باور قومی - تاریخی بختیاری»، انزان، شماره ۱، تهران، سعدی، ص ۲۰-۱۹؛ و میرزایی، بختاریها و قاجاریه، ص ۷۵-۷۳؛ گارثویت، تاریخ سیاسی - اجتماعی بختیاری، ص ۸۱ و حافظ عیدبوندی، نگرشی بر ایل بختیاری، اهواز، آیات، ص ۱۵-۱۳.



جمعی از سران و افراد ایل بختیاری؛ علی قلی سردار آسمد، اسفندیار بختیاری، فرج الله بختیار | ۱۳۴۹-۱

ایل و چهارلنگ از آن به بخش کوچک‌تر، باعث جدایی و انشعاب این دو بخش از ایل بختیاری شده است.^۴ از هنگام بروز انشعاب تاکنون اختلاف و رقابت نیز بین این دو شعبه وجود داشته است و هنوز با اینکه بسیاری از بختیارها چندان توجه و تعصبی نسبت به تعلق به شاخه هفت‌لنگ و چهارلنگ ندارند، این اختلاف دیده می‌شود. اینکه محل و محدوده استقرار بختیارها در چه مناطقی و شامل چه قلمرویی بوده است، معلوم نیست زیرا محدوده سکونت آنها دائماً در حال تغییر بوده است، و بسته به نفوذ و قدرت خانها و قدرت دولت مرکزی و نوع رابطه بین آنها قلمرو و محدوده متعلق به ایل بختیاری نیز متفاوت بوده است.

این موضوع که آیا در ادعای مالکیت اراضی، که در آن نفت کشف شد، بختیارها و خانهای آنها محق بودند یا نه، را بایستی با دقت در حدود و محل زندگی آنان جستجو کرد. بختیارها عمدتاً در منطقه‌ای بین سرزمین لرستان فعلی و کرانه‌های خلیج فارس سکونت داشتند. این سرزمین از شمال به لرستان، از غرب به خوزستان و خلیج فارس، از شرق به اصفهان و از جنوب محدود به کهگیلویه بود. شصت درصد اراضی این منطقه را که بین ۳۱ تا ۳۲ درجه شمالی و ۴۱ تا ۵۱ درجه شرقی واقع بود، اراضی و مناطق کوهستانی تشکیل می‌داد. این قلمرو بین رودخانه‌های کارون از یک سو و فلات مرکزی از سوی دیگر واقع بود و سه رودخانه مهم زاینده‌رود، دز و کارون از ارتفاعات واقع در آن سرچشمه گرفته و در اطراف جاری است. منطقه کوهستانی، بیلاق یا سردسیر ایل بختیاری بود. تپه‌ها یا مناطقی که ده‌نشینان یا به عبارت دیگر یکجانشینان بختیاری در آن به کشت و کار اشتغال داشتند قشلاق یا منطقه زمستانی و گرمسیر ایل بختیاری به حساب می‌آمد.^۵ با عنایت به مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که خانهای بختیاری، با توجه به محل سکونت خود، هنگامی که با اقدامات رینولدز نماینده دارسی و با درخواست او برای انجام عملیات اکتشافات و حفاری برای نفت در اراضی متعلق یا مورد ادعای خود مواجه گردیدند، به عنوان مالکان این اراضی حق و حقوقی برای خود مطالبه کردند که این آغاز حرکتی جدید برای خانهای بختیاری، دولت ایران و بریتانیا بود.

به هر روی، واگذاری امتیاز نفت با نام انگلیس و انگلستان توأم شده است و به همین دلیل کشف نفت بر روابط بختیارها و انگلیسیها تأثیر زیادی گذارد. ولی این اولین

۴. خسرو بختیاری، سردار ظفر. یادداشتها و خاطرات سردار ظفر بختیاری. تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۲، ص ۴ و جن رالف گارثویت. بختیاری در آئینه تاریخ. مهاباد امیری. تهران، آئزان، ۱۳۷۵، ص ۱۵.

۵. الیزابت مکین روز. یامن به سرزمین بختیاری بیابید. مهاباد امیری. تهران، بی‌نا، ۱۳۷۳، ص ۵۷-۵۶؛ گارثویت. تاریخ سیاسی - اجتماعی بختیاری. ص ۴۶ و عیدبوندی. نگرشی بر ایل بختیاری. ص ۱۷-۱۵.

برخورد و ارتباط بختاریها و انگلیسیها نبود. به عبارت دیگر، بختاریها و انگلیسیها، قبل از مسئله نفت نیز با یکدیگر روابطی حتی در حد رسمی داشتند.

تاریخچه روابط بین آن دو به اوایل روی کار آمدن سلسله قاجاریه باز می‌گردد. هنگامی که دولت ایران در ایام سلطنت فتحعلیشاه قاجار، ۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق درگیر جنگهای ایران و روس بود. عباس میرزا نایب‌السلطنه می‌کوشید، با استفاده از مستشاران و نظامیان انگلیسی، گروههایی از نیروهای نظامی ایرانی را به سبک و شیوه جدید اروپایی سازماندهی کرده آموزش دهد.

اولین نظامی انگلیسی سروان آیزاک هارت بود که آموزش افواج متعلق به ایل بختاری را، که بالغ بر سه هزار تن بودند، بر عهده داشت و سرعت انتقال و قابلیت تعلیم‌پذیری این افواج نسبت به دیگر افواج را ستوده بود.^۶ مدتی بعد در زمان سلطنت محمدشاه قاجار، ۱۲۶۴-۱۲۵۰، دولت ایران درصدد برآمد شهر هرات را باز پس گیرد. این اقدام حوادث و عواقب بسیاری به دنبال داشت. از جمله این حوادث، شورش محمدتقی خان چهارلنگ (کنورسی) در مخالفت با دولت مرکزی بود. در آن ایام، یکی از چهره‌های معروف سیاسی انگلیس به نام سر اوستن هنری لایارد کاشف تمدن آشور و شهر نینوا، به سرزمین بختاری پا نهاده بود.

لایارد، خان بختاری را در شورش و طغیان بر ضد دولت متبوعش، معاضدت و همراهی نمود و کوشید میان خان شورشی و فرمانده نیروهای انگلیسی مستقر در جزیره خارک، کلنل هتل، ارتباط ایجاد نماید.^۷

روابط بین بختاریها و انگلیسیها در دوران قدرت‌گیری حسینقلی خان بختاری از خانهای قدرتمند و با نفوذ طایفه زراسوند، در دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق، نیز ادامه یافت. علاقه به ایجاد روابط تجاری و بازرگانی بین مناطق مرکزی و جنوبی ایران از طریق رود کارون با دیگران، ترجیحاً انگلیسیها، باعث شد حسینقلی خان با جرج مکنتزی اسکاتلندی، نماینده کمپانی گری ویل، وارد مذاکره شود.

۶. سر جان ملکم، تاریخ ایران، ترجمه میرزا حیرت، تهران، دنیای کتاب، ج ۲، ص ۲۵۷؛ و جیمز ماپرلی، عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات، تهران، رسا، ص ۴۰؛ دنیس رایت، انگلیسیها در میان ایرانیان، ترجمه اسکندر دلد، تهران، نهال، ۱۳۶۴، ص ۱۷۰.

۷. سر اوستن هنری لایارد، ماجراهای اولیه در ایران، ترجمه مهرباب امیری، تهران، وحید، ۱۳۶۷، ص ۱۶۲-۱۴۱؛ بارون دبداک، سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۲۴۹؛ و خاطرات حسین‌قلی خان بختاری، خاطرات و اسناد، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران، وحید، ص ۲۳۴.

و دو طرف برای ایجاد شرکت کشتیرانی و گسترش تجارت توافق کردند.^۸ ولی این اهداف و روابط نه در زمان محمدتقی خان و نه در زمان حسینقلی خان هیچ‌گاه جنبه علمی و رسمی به خود نگرفت.

بختاریها و انگلیسیها، روابط رسمی و قانونی

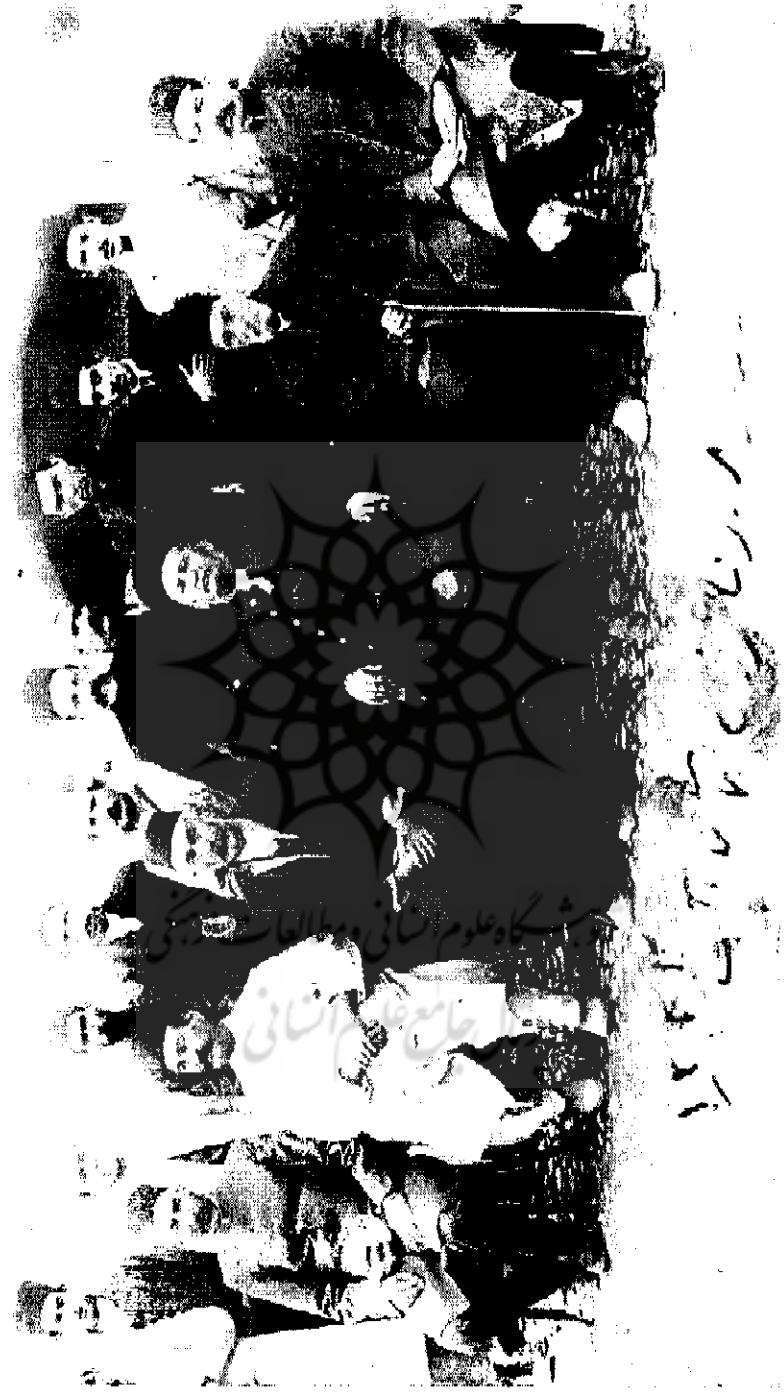
با اعلام آزادی کشتیرانی بر روی رودخانه کارون از سوی دولت ایران در ۲۴ صفر ۱۳۰۶ق/اکتبر ۱۸۸۸م تلاش برای احداث جاده‌ای کاروان‌رو که مناطق جنوبی ایران (خوزستان) را از طریق سرزمین بختیاری به اصفهان و سایر نقاط مرکزی کشور وصل کند شدت گرفت. سفر هنری بلوس لینیچ در ۱۳۰۷ق/۱۸۸۹م به ایران که به دعوت خوانین بختیاری صورت گرفت برای مذاکره درخصوص احداث همین جاده صورت گرفت. با واگذاری امتیاز احداث جاده مزبور به خوانین بختیاری که در ۱۳۱۴ق/۱۸۹۸م بین دولت ایران و خوانین بختیاری صورت گرفت، زمینه انعقاد قراردادی بین خوانین و برادران لینیچ فراهم گردید. به استناد یکی از مواد قرارداد بین بختیاریها و دولت ایران، آنان می‌توانستند از سرمایه‌گذاری خارجی برای احداث جاده استفاده کنند. در دهم شوال ۱۳۱۵ق/ سوم مارس ۱۸۹۸م با وساطت و دخالت سفارت انگلستان قرارداد احداث جاده بین کمپانی برادران لینیچ و خوانین بختیاری منعقد شد. بدین ترتیب رابطه خوانین بختیاری با انگلیسیها رسمیت یافت.

بختیاریها و نفت، اولین گامها

مظفرالدین شاه قاجار، در سال ۱۳۱۳ق، پس از قتل پدرش، بر تخت سلطنت نشست. در طول سالهای بعد، دربار قاجار درصدد برآمدن با اخذ وام از منابع خارجی، عمدتاً روسیه و انگلیس، نیازهای مالی خود را برطرف کند. تلاشهای دربار قاجار بالاخره در اواخر سال ۱۸۹۹م/۱۳۱۸ق به نتیجه رسید. اولین قرضه بزرگ از سوی دولت روسیه به مبلغ بیست و دو میلیون و نیم منات روسی به ایران پرداخت شد.^۹ پرداخت این قرضه و شرایط مربوط به آن، پیروزی بزرگی برای همسایه شمالی به حساب آمد؛ زیرا از این طریق توانست به طور فزاینده‌ای در امور داخلی ایران دخالت کند. همسایه جنوبی، انگلستان، تا اینجا یک گام از رقیب دیرین عقب مانده بود. مدتی بعد، تلاشهای سفارت انگلیس و ویلیام ناکس دارسی، تبعه انگلیس، برای اخذ

۸. سید علیرضا ابطی. ظل‌السلطان در عهد ناصری (رساله کارشناسی ارشد). تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ص ۱۱۰-۱۰۹.

۹. فیروز کاظم‌زاده. روس و انگلیس در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران، نگاه نشر و ترجمه، کتاب، ص ۳۰۷.



خسرو سردار ظفر و عده‌ای از خوانین بختاری در اواخر دوره قاجاریه [۱۲۷-۱۲۸]

امتیاز نفت از دولت ایران به نتیجه رسید و انگلستان، با این اقدام، این عقب‌ماندگی خود را جبران کرد. بدین ترتیب داری موفق شد در ماه مه سال ۱۹۰۱م، ۹ صفر ۱۳۱۹ق، امتیاز اکتشاف، استخراج و حمل نفت در همه ایالات ایران، بجز پنج ایالت شمالی را به مدت شصت سال و به شکل انحصاری به دست آورد.^{۱۰}

با این اقدام، انگلیسیها نه تنها گام عقب‌مانده از روسها را جبران کردند بلکه فرصت تازه‌ای به دست آوردند تا ضمن کسب یک امتیاز مهم، از نفوذ روسها به مناطق جنوبی ایران و خلیج فارس جلوگیری کنند.^{۱۱} این موفقیت در اخذ امتیاز نفت، اولین مرحله از شکست سیاسی - اقتصادی روسیه در جنگ با ژاپن بود؛ چند سال وقت لازم بود تا دولت تزاری شکست مورد بحث را احساس کند.^{۱۲}

در بین مواد هجده‌گانه امتیازنامه نفت داری، ماده سوم قرارداد چنین بود:

دولت علیه ایران اراضی بایره خود را در جایی که مهندس صاحب امتیاز به جهت بنا و تأسیس کارهایی که در فوق مذکور است، لازم بداند مجاناً به صاحب امتیاز واگذار خواهد کرد و اگر آن اراضی دایر باشد، صاحب امتیاز باید آنها را از دولت به قیمتی عادلانه خریداری نماید و دولت علیه به صاحب امتیاز نیز حق می‌دهد که اراضی و املاک لازمه را به جهت اجرای امتیاز از صاحبان ملک به رضایت آنها ابتیاع نماید، و معلوم است که این ابتیاع موافق شرایطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز و مالکین مقرر خواهد شد؛ ولی صاحبان املاک مجاز نخواهند بود که از قیمت عادلانه اراضی واقعه در حول و حوش تجاوز نمایند و جاهای مقدسه و ...

همچنین در ماده نهم قرارداد چنین آمده بود:

دولت علیه ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که یک یا چند شرکت جهت انتفاع از آن امتیاز تأسیس نماید؛ اسامی و نظامنامه آن شرکتها توسط صاحب امتیاز تعیین خواهد شد مشروط بر اینکه در ایجاد هر شرکتی صاحب امتیاز آن، ایجاد را رسماً به توسط کمیسر به دولت اطلاع بدهد و نظامنامه آن شرکت را با تعیین محلی که شرکت باید در آنجا کار کند به دولت اظهار دارد و مدیرهای شرکتها تمام حقوق صاحب امتیاز را خواهند داشت، ولی از آن طرف دیگر، آنها باید تمام تعهدات و مسئولیت صاحبان امتیاز را در عهده خود گیرند...^{۱۳}

۱۰. شرکت ملی نفت ایران. تاریخچه و متن قراردادهای نفتی مربوط به ایران. بی‌جا، ۱۳۲۴، ص ۲-۳.

۱۱. کاظم زاده، روس و انگلیس در ایران، ص ۳۶۵. ۱۲. همان منبع، همان صفحه.

۱۳. شرکت ملی نفت ایران، همان، صص ۲۳۴.

در اواخر سال ۱۹۰۲م/ ۱۳۲۰ق. مهندسان و کارشناسان نفتی مأمور از سوی داری کار خود را برای اکتشاف و تولید نفت از مناطق جنوب غربی ایران و منطقه قصرشیرین آغاز کردند و پس از مدتی موفق شدند مقداری نفت استخراج کنند. داری روند این فعالیت را بعداً طی نامه‌ای به نماینده دولت ایران چنین توضیح داد: «و ثابت و معلوم کردم که بهترین روغن [نفت] در آنجا موجود است...»^{۱۴} ولی چون مقدار نفت تولید شده به میزان تجاری نبود، کار متوقف شد.

آنگاه داری «موقع را مقتضی دید که به واسطه [فعالیت] مردمان با تجربه، این کار [اکتشافات و تولید نفت] را عملی سازد» و به همین دلیل صاحب امتیاز «با کمپانی نفت بیرما [برمه] که شهرت و نتیجه کار آن معروف آفاق بود قراردادی منعقد کرد».^{۱۵}

شرکت جدید، شرکت نفت برمه که ریاست آن را لرد استراتکونا بر عهده داشت چنین لازم دید که منطقه اکتشاف عوض شود. «عقیده کمپانی نفت بیرما این شد که بهترین راه برای مدلل کردن اهمیت حقیقی امتیاز این است که اصل نفت را در طرف جنوب [محدوده] امتیاز که نزدیک‌تر به ساحل خلیج فارس است، امتحان کنند و...»^{۱۶}

به همین دلیل داری طی نامه‌ای کوتاه خطاب به نماینده دولت ایران، کتابچی خان، کمیسر موم و نفت، چنین نوشت: «باید به شما اطلاع دهم... عنقریب در شروین [شاردین در مسجد سلیمان] و در محدوده جنوب غربی ایران به اعمال امتحانی خواهم پرداخت و احتمال دارد بعد در مسجد سلیمان هم دیلم‌کاری کنم...»^{۱۷}

پس از مدتی داری طی نامه دیگری که قبلاً نیز به آن اشاره شد، شرح اقدامات خود را به دولت ایران نگاشت. او خطاب به مؤتمن حضور نوشت: «چنانچه به شما بیان کرده‌ام، کار قسمت شمالی امتیاز، یعنی قصرشیرین تمام شد و با بیست و پنج هزار لیره مخارج، ثابت کردم که بهترین روغن [نفت] در آنجا موجود است...»^{۱۸}

آنگاه داری در ادامه، شراکت خود با شرکت نفت برمه را توضیح داده و افزود: علی‌ای حال، مهندسین به جنوب ایران فرستاده شدند که مشخص کنند بهترین نقطه را برای سوراخ کردن، و در آنجا کار شروع شود و ... اگر نفت در این محل یا محل‌های دیگر در جنوب ایران از جنس خوب مقدار کافی برای تجارت بیرون آمد، سرمایه به جهت اولین استخراج کمپانی که اعلیحضرت شهرباری اسهام دارند پیدا می‌شود و

۱۴. وزارت امور خارجه ایران، مرکز اسناد: نمره ۷ پوشه ۸ کارتن ۱۳۲۴/۲۲ - اکتبر ۱۹۰۳م.

۱۵. همان منبع، همان جا. ۱۶. همان منبع، همان جا.

۱۷. وزارت امور خارجه ایران، مرکز اسناد: نمره ۶/ب ۸ کارتن ۱۳۲۴/۲۲ - ۵ صفر ۱۳۲۲ق.

۱۸. همان منبع، نمره ۷/ب ۸ کارتن ۲۲/۱۳۲۴ ۱۱/ اکتبر ۱۹۰۳م.

مقدار میل مربع، که متعلق به این کمپانی است، شامل بهترین محل کشف شده خواهد بود و در ملکیت این کمپانی خواهد بود و ...^{۱۹}

به کار بردن عبارت «اگر نفت... در جنوب ایران... [به] مقدار کافی برای تجارت بیرون آمد... مقدار میل مربع متعلق به کمپانی است و ... در ملکیت کمپانی خواهد بود...» نشان‌دهنده آن است که داری کلیه اراضی و زمینهایی را که احتمالاً در آن نفت کشف می‌شود متعلق به صاحبان کمپانی و گیرنده امتیاز می‌دانست.

با این دیدگاه، مهندسان و کارشناسان داری به جنوب ایران اعزام شدند و یک مهندس انگلیسی به نام جرج برنارد رینولدز، مردی کم‌حرف، جدی، متکی به نفس و فارغ‌التحصیل از کالج مهندسی هند، برای بررسی وضعیت وارد مناطق جنوبی ایران شد و به تقاطعی که برای کاوش و اکتشاف در مدنظر داشت، سفر کرد، و این در حالی بود که جان ریچارد پریس سرکنسول بریتانیا در اصفهان به مرخصی رفته بود.^{۲۰} رینولدز در این سفر به اردوگاه خانهای بختیاری نزدیک شوشتر وارد شد و سفارشات‌ها و نسخه‌ای از قرارداد نفت داری به زبان فارسی را ارائه نمود.

در آن هنگام اسفندیار خان سردار اسعد فرزند ارشد حسینقلی خان ایلخانی و محمدحسین خان سپهدار فرزند ارشد حاج امام قلی خان بختیاری [پسر برادر حسینقلی خان] به ترتیب ایلخانی و ایل بیگ ایل بختیاری بودند. رینولدز در این سفر پیشنهاد نمود که در صورت کمک و همکاری با او از طرف دولت متبوعش، انگلستان، همه‌گونه پاداشی داده خواهد شد.^{۲۱}

اسفندیار خان، با وجود اطلاع از مفاد قرارداد نفت و میزان سهم دولت ایران، در پاسخ رینولدز گفت: «مستخدم شما نمی‌توانیم باشیم که پاداش دریافت کنیم ولی اگر سهم و شریک شما بشویم و لااقل صدی ده از منافع را به ما بدهید همه قسم همراهی و کمک خواهیم نمود و موجبات تأمین شما را فراهم خواهیم کرد.»^{۲۲}

آنگاه پیش‌نویس قراردادی را محمدحسین خان سپهدار، ایل بیگ، تنظیم و به رینولدز پیشنهاد کرد که علاوه بر درخواست صدی ده از منافع و سود سهام، مواد مندرجه در آن بسیار محکم و قانونی و حتی از لحاظ بین‌المللی متقن بود، ارائه نمود.^{۲۳}

۱۹. همان منبع، همان جا.

۲۱. دانش عباسی شهنی. تاریخ مسجد سلیمان. تهران، هیرمند، ۱۳۷۴، ص ۷۷.

۲۲. همان منبع، ص ۸۱-۸۰.

۲۳. همان منبع، همان صفحه.

رینولدز پس از مشاهده درخواست خانهای بختیاری برای واگذاری ده درصد سود خالص اسهام، پس از بازگشت، نامه‌ای به محمدعلی خان علاءالسلطنه وزیر امور خارجه ایران نگاشت. در این نامه، که در تاریخ ۱۲ صفر سال ۱۳۲۲ق/۱۶ نوامبر سال ۱۹۰۴م نوشته شده است، رینولدز ضمن شرح مطالبی که قبلاً به صورت شفاهی در ملاقات با وزیر امور خارجه گفته شده بود، می‌نویسد:

بر وفق این امتیاز لازم است که چاه بکنند از برای در آوردن نفت در زمینهایی که مالک آنها رؤسای بختیاری هستند و در نقاطی که علامت x [در حاشیه نامه چاردین مرمتین، قلعه دراهید، سرگدار] در روی نقشه ملفوف معین شده است [کپی نقشه ضمیمه خواهد شد] و در جاهای دیگر، به مقصود اینکه ترتیبات لازمه را با این روش انجام بدهم آنها را به تاریخ غره ماه آوریل گذشته در اردوی ایشان نزدیک شوشتر ملاقات کردم و به آنها کاغذهای سفارشنامه خود را که به زبان فارسی بود، نشان دادم. فقط به شرط شراکت رخصت می‌دادند که در زمین آنها چاه کنده شود و ... شرط شراکت هم این بود که صدی ده از منافع نفتی که در خاک ایشان پیدا می‌شود، به آنها بدهیم... با وجود اینکه اظهار کردم که خواهش آنها موافق با امتیازی که داریم، نیست و صدی شانزده به اعلیحضرت شاهنشاه باید برسد، گوش ندادند و ... به نظر می‌آید لازم است به رؤسای بختیاری بفهمانید که اگرچه سطح زمین مال ایشان است ولی آنچه در زیر زمین است مال اعلیحضرت شاهنشاه است و ... تکلیف آنها این که به مستر داریسی از برای اجرای عمل نفت همه‌گونه حمایت و رعایت را مرعی دارند و قطع طمع از شراکت نمایند و... بدیهی است اگر بنا شود که گماشته‌های مستر داریسی نتوانند در ایران سفر کنند به نقاطی که در آنجا کار دارند و اگر بنا شود که زمیندارها مدعی شراکت شوند با صاحب امتیاز در منافع آن، وضع و حالت صاحب امتیاز خارج از قاعده و بر خلاف طبیعت امتیاز خواهد بود...^{۲۴}

اظهار تعجب و تلاش برای ارائه راهی جهت راضی کردن خانها برای همکاری را می‌توان از لابه‌لای مطالب نامه رینولدز دریافت: «اگر بنا شود که گماشته‌های مستر داریسی نتوانند در ایران سفر کنند به نقاطی که در آنجا کار دارند و اگر بنا شود که زمیندارها مدعی شراکت شوند با صاحب امتیاز در منافع آن، وضع و حالت صاحب امتیاز خارج از قاعده بر خلاف طبیعت خواهد بود.» نگرانی رینولدز، نماینده داریسی و مقامات انگلیسی را، از اینکه در صورت کشف نفت در سایر نقاط با مشکلات مشابهی درگیر شوند، به خوبی می‌توان دریافت. رینولدز در این نامه درصدد بود تا از طریق وارد

۲۴. وزارت امور خارجه، مرکز اسناد: بدون نمره، پ ۱۷ ک ۲۴ ۱۳۲۲ق. ۱۶ نوامبر ۱۹۰۴م/۱۲ صفر ۱۳۲۲ق.

کردن فشار بر دولت مرکزی، از دادن هرگونه امتیاز رسمی یا تعهد در قالب قرارداد در برابر قدرتهای محلی و مدعیان احتمالی خودداری ورزد.

پس از این مکاتبه، سفارت انگلیس در تهران نیز وارد میدان شد و آرتور هاردینگ، وزیر مختار انگلیس، در نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایران نسبت به مشکلات به وجود آمده در راه اکتشافات نفت چنین نگاشت:

نواب مستطاب اشرف امجد... در مذاکرات اخیر، از بابت مسئله حقی که مستر داری باید از درآمد خلص امتیاز فقط به دولت ایران بدهد، دوستدار صحبت به میان آورد و اظهار داشت که به اجازه نواب مستطاب اشرف والا در این باب مکاتبه خواهد نمود.

آنگاه هاردینگ به مواد سوم و نهم قرارداد که اجازه اکتشاف در اراضی مزروع و غیرمزروع را به گیرنده امتیاز می‌داد و همچنین به ماده دهم قرارداد که سهم دولت ایران را از منافع امتیاز شانزده درصد تعیین می‌نمود، استناد کرده افزود:

حال، مهندسین کمپانی می‌بینند که در وقت کار قبل از اینکه به آنها اجازه داده شود که در اراضی غیرمزروعه تفتیش نفت نمایند، آنها را مجبور می‌کنند که با رؤسای محلیه بعضی نقاط که اراضی مزبور در آنجا واقع است، قراری بدهند و مثلاً در حوالی شوشتر خوانین بختیاری مطالبه صدای ده از منافع خلص کمپانی می‌نمایند که اجازه کار به آنها بدهند. بنابراین، حقی که باید صاحب امتیاز بدهد، در عوض صدی شانزده، صدی بیست و شش خواهد بود. در این مسئله شوشتر، مستر داری حاضر بود که از قرار صد، دوونیم برای خوانین حقوق منظور کند؛ ولی صدای دهی که خودشان مطالبه می‌نمودند طبعاً به نظر مستر داری تحمیل فوق‌العاده می‌آمد که علاوه بر آنچه به دولت ایران باید بدهد، به آنها بدهد. بنابراین، به نظر چنین می‌رسد که حقانیت این بوده باشد که درباره اراضی غیر ذی‌زرع، که متعلق به اشخاص متفرقه نیست [و] می‌توان گفت کسی به غیر از اعلیحضرت اقدس شهبازی در آنها حق مالکیت ندارد، طوایف را مجبور دارند که ترک ادعای خود را نمایند و هرگاه مشکل یا پیرزحمت باشد که علاوه بر حقوقی که باید به دولت بدهد به رؤسای محلیه و عشایر نیز حقی بدهد، دولت علیه ایران آن وجه را از حق خود کسر کنند...^{۲۵}

۲۵. همان منبع، شماره ۵۰/پ ۸/ک ۱۳۲۴/۲۲. بدون تاریخ (با توجه به محتوای نامه تاریخ آن بایستی مربوط به ماه صفر سال ۱۳۲۲ باشد).

در پسایان ایسن نامه، هاردینگ جویای اطلاعاتی درباره نحوه مالکیت اراضی غیرمزروعی توسط ایلات از وزیر امور خارجه ایران شده بود.
 با دقت در نامه وزیر مختار انگلیس به چند مطلب می‌توان پی برد:
 الف. پافشاری بر رایگان بودن اراضی غیر مزروعی برای داری و شرکاء؛
 ب. تأکید بر سهم شانزده درصدی دولت ایران و احتراز از افزایش آن به هر شکل؛
 ج. لزوم مجبور کردن طوایف و عشایر جهت ترک ادعای خود؛
 د. کسر پرداخت وجوه احتمالی به طوایف و عشایر از سهم دولت ایران (امری که بعداً اتفاق افتاد).

به نظر می‌رسد وزیر مختار انگلیس و صاحب امتیاز از آن بیم داشتند که بنابر احتمال وجود نفت در بخشهای مختلف مرکز و جنوب ایران، که محل استقرار طوایف و عشایر گوناگون نیز بود، رؤسا و خانهای هر یک از این طوایف و عشایر، مانند خانهای بختیاری، مطالبه عقد قرارداد و پرداخت سهم مشخصی از درآمد نفت را نمایند که در مجموع برای آنها غیرقابل قبول بود؛ و بنابراین درصدد بودند با وارد کردن فشار به دولت ایران از نفوذ و قدرت دولت مرکزی و ارائه طریق استدلال برای پاسخگویی به خواسته‌های خانها و رؤسای طوایف و عشایر، از ادامه چنین روندی جلوگیری کنند.
 مع‌هذا آنان آماده بودند تا با اراضی کردن خانها و رؤسای طوایف و عشایر، از طریق واگذاری بخشی از سود سهام نفت، آن مقدار از سهام واگذار شده را از سهم دولت ایران کسر نمایند و مسئولیت این اقدام خود را به استناد مواد قرارداد داری بر عهده دولت ایران گذارند.

هنگام کندوکاو درباره موضوع پژوهش از طریق مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، پاکتی به دست آمد که نامه داخل آن مفقود شده بود، ولی روی پاکت نامه مظفرالدین شاه قاجار، خطاب به صدراعظم وقت، عبدالمجید میرزا عین‌الدوله، چنین نگاشته است: «وزیر اعظم... در خصوص عمل نطف و خوانین بختیاری، عهدنامه را بخواهید؛ ملاحظه کنید، با وزیر خارجه هم مذاکره نمایند و هر چه که صلاح دانستند، به عرض برسانید که از روی بصیرت جواب داده شود، شهر ربیع‌الاول ۱۳۲۲».^{۲۶}
 بعد، عین‌الدوله نیز مطلب را با محمدحسین خان، سردار مفخم، ایلخانی بختیاری، در میان گذارد. متن تلگراف عین‌الدوله چنین است:

چندی قبل تلگرافی به جناب‌عالی کردم در خصوص اینکه خوانین مطالبه حقی از کمپانی نطف به جهت واگذاری اراضی مورد نیاز کار آنها می‌نمایند و از سفارت

۲۶. همان منبع، نمره ۵۱۰/ پ ۸ ک ۲۲ ۱۳۲۲ ق. ربیع‌الاول ۱۳۲۲ ق.

انگلیس در این باب اظهار نموده بودند که این مطالبه برخلاف امتیاز است و از شما تفصیل را سنوال کردم که تلگراف کنید معلوم شود مطلب چه چیز است و چه مطالبه می‌نمایند؛ تاکنون جواب نرسیده است. البته به مجرد وصول این تلگراف، به طوری که تلگراف شده بود، توضیحاً تلگراف نمایند تا تعیین تکلیف شود. سلطان عبدالمجید [میرزا عین‌الدوله]^{۲۷}

پس از ارسال این تلگراف در روز سیزدهم ماه رمضان سال ۱۳۲۲ قمری، تلگرافی نیز از سوی کمیسر موم و نفت دولت ایران، مؤتمن حضور، کتابچی خان، خطاب به سردار مفتخم، محمدحسین خان سپهدار در همین مورد مخابره شده است که او چنین ابراز داشته بود:

جناب... سردار مفتخم بختیاری

از قراری که در سفارت انگلیس اظهار نموده‌اند، در حوالی شوشتر، خوانین بختیاری صدای [ده از منافع خالص کمپانی نفت را مطالبه می‌نمایند تا اجازه کار به آنها بدهند و همچنین قبل از اجازه کار و در نقاط دیگر، اول آنها را مجبور می‌کنند که با رؤسای محلیه قراری بدهند. این چه تفصیلی است و این مطالبه و قرارداد به چه قاعده و ترتیب است؟ و در کدام اراضی این حرف هست، در اراضی دولت یا اراضی شخصی خوانین؟ این مطلب را توضیحاً تلگراف نمایند. یقین است از مضمون امتیازنامه نفت که از جانب دولت مرحمت شده است با خبر نیستند. به ملاحظه [خواننده نشده] و اطلاع خواهید داد و حالا آنها در کجا مشغول کار هستند؟ کارشان به کجا رسیده است؟ تلگراف خواهید کرد. کمیسر موم و نفت.^{۲۸}

این نامه نیز پس از نامه صدراعظم نوشته شده و تاریخ آن ۲۳ رجب سال ۱۳۲۲ قمری است. متأسفانه از جواب و واکنش خوانین بختیاری به پیامهای داده شده از سوی دولت مرکزی اطلاعی در دست نیست و نمی‌دانیم آیا پاسخی به این تلگراف داده شده است یا نه؟ اگر جواب مثبت باشد آنگاه این سؤال پیش می‌آید که پاسخ چه بوده و خانها چه موضعی داشته‌اند. افسوس که چنین مطالبی را در اختیار نداریم ولی با دقت در مسیر طی شده از ابتدا تا عقد قرارداد بین داری و خانها، که بدان نیز خواهیم پرداخت، می‌توان چنین استنباط نمود که خانها بر موضع خود پافشاری نموده و فشار دولت مرکزی بدون نتیجه مانده است. در مدتی که این مکاتبات بین دولت مرکزی و خانها

۲۷. همان منبع، نمره ۵۶، پ ۱۷/۱، ۱۳/۱۳۲۲/۲۴. ۱۳ رمضان ۱۳۲۲.ق.

۲۸. همان منبع، نمره ۵۵، پ ۱۷/۱، ۱۳/۱۳۲۲/۲۴. ۲۳ رجب ۱۳۲۲.ق.

انجام می‌گرفت رینولدز به انتظار ورود پریس سرکنسول انگلیس در اصفهان بود که پس از اتمام مرخصی، بنابر خواسته داری و با موافقت وزارت خارجه انگلیس می‌بایست در امر مذاکره بین خانها و نماینده داری دخالت کند. این امر، به ویژه، از آن جهت اهمیت داشت که پریس دارای سابقه طولانی و تجربیات ارزنده‌ای بود که طی ایام مأموریت خویش در ایران به دست آورده بود.^{۲۹}

در آن ایام اتفاقاتی رخ داد که در شکل‌گیری مسیر حوادث تأثیر زیادی گذارد، بدین صورت که اسفندیار خان بختیاری، سردار اسعد اول، ایلخان و محمدحسین خان بختیاری، سپهدار، ایل بیگ، به فاصله کوتاهی، دو ماه پس از مذاکره با رینولدز، از دنیا رفتند.^{۳۰} پس از مرگ این دو تن از خانهای بختیاری، ریچارد پریس، در اواخر سپتامبر به منطقه وارد شد.

رینولدز نیز در پاییز آن سال در تاریخ ۱۳ اکتبر سال ۱۹۰۵م/ هشتم ماه شعبان ۱۳۲۳ قمری، به پریس پیوست. آن دو در منطقه شلمزار، که در کوهپایه‌های سلسله زاگرس واقع است، به اردوگاه خانهای بختیاری رسیدند، و بین آنها و ایلخان جدید، نجف‌قلی خان صمصام‌السلطنه و ایل بیگ غلامحسین خان شهاب‌السلطنه مذاکراتی در روزهای ۱۶ تا ۱۹ اکتبر/ ۱۱ تا ۱۴ شعبان صورت گرفت.^{۳۱} در این مذاکرات پریس می‌کوشید تا به رغم مخالفت علی‌قلی خان سردار اسعد دوم، برادر کوچک‌تر صمصام‌السلطنه، که گاهی مطالبات را تا ۲۰٪ از درآمد خالص سود سهام کمپانی بالا می‌برد، با خوانین به توافق دست یابد؛ به ویژه اینکه سردار اسعد تجربه، آگاهی و توان بیشتری برای چون و چرا داشت.^{۳۲} توافقات اولیه حاکی از آن بود که پنج درصد از سود سهام شرکت‌هایی که در منطقه بختیاری فعالیت می‌کنند، به اضافه مبلغی نقد، به خانها داده شود؛ ولی این توافق، که تلگرافی به لندن مخابره شده بود، از سوی داری و شرکاء رد شد. پیشنهاد بعدی از سوی خانها این بود که تا سقف دویست هزار پوند (۲۰۰ ۰۰۰) سود، پنج درصد به آنها داده شود و از آن میزان بالاتر، (۲/۵) درصد، ولی این بار پریس مخالفت کرد. در خلال مذاکرات، غلامحسین خان شهاب‌السلطنه با اینکه نظر مساعدی داشت، به واسطه مرگ یکی از نزدیکان، جلسات مذاکره را ترک کرد. پریس غیبت او را شکست بزرگی برای

تاریخهای میلادی و قمری با استناد به کتاب زیر تطبیق داده شده است:
احمد بیرشک. گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷ش.

خود ذکر کرده است. علی‌قلی خان نیز، با شیوه‌ای مؤدبانه، خانها را از امضای قرارداد و یا توافق با طرف انگلیسی برحذر می‌نمود. پریس برای جمع‌بندی و نزدیک کردن خواسته‌های خانها تلاش بسیاری کرد ولی تا این مرحله موفق نشد خانها را به پذیرش سه درصد سهام راضی کند.^{۳۳}

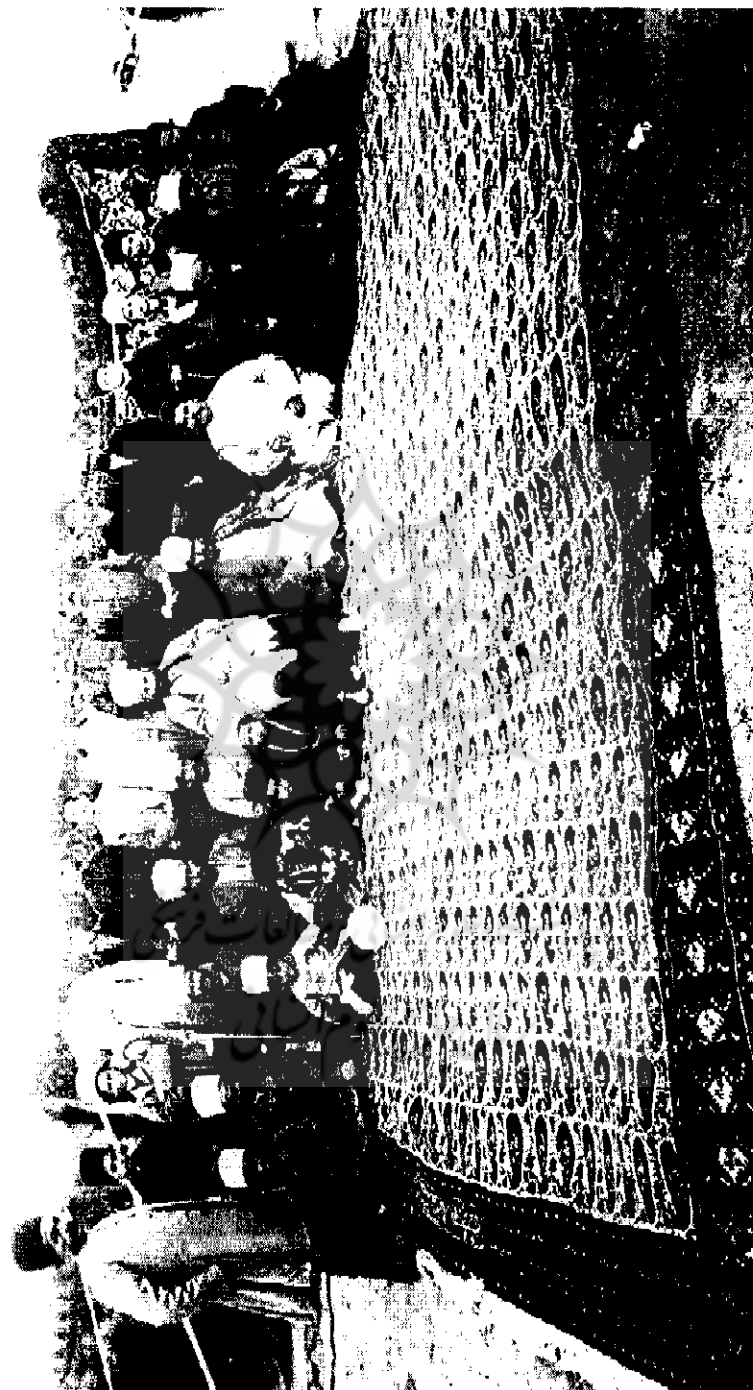
در این بین، سردار اسعد، علی‌قلی خان، محل مذاکره را به سوی جایگاه و محل استقرار خویش «جونقان» ترک گفت و رینولدز نیز برای ارسال تلگراف از اصفهان و گرفتن دستورالعمل حرکت کرد. سردار اسعد در گرفتن پنج درصد از سهام هر شرکتی که در آن منطقه مبادرت به کار کند، اصرار می‌ورزید و رینولدز و پریس نیز چاره‌ای جز قبول نداشتند. ولی هنگامی که رینولدز در دهم نوامبر / دوازدهم رمضان با اختیارات جدید جهت عقد پیمان بازگشت، متوجه شد که پریس خانها را به پذیرش سه درصد از سهام راضی کرده است. پریس به موفقیت مورد نظر دست یافته بود. او می‌نویسد: «صراحتاً باید بگویم که بسیار متعجب شدم که چنین معامله سودآوری را با خانها انجام دادم. وقتی آنها رقمی حدود دوازده، شانزده و بیست درصد از سود سهام را پیشنهاد می‌کردند، سه درصد نمی‌تواند رقم قابل ملاحظه‌ای باشد، بلکه تنها سه درصد.» نکته جالب آنکه پریس در ادامه می‌افزاید که خانها چیزی از سهام و این طور چیزها نمی‌دانستند.^{۳۴}

بدین ترتیب، با توافق دو طرف، در تاریخ ۱۷ رمضان/۱۳۲۳ق/۱۵ نوامبر ۱۹۰۵م قراردادی به امضا رسید که اولین قرارداد بین صاحب امتیاز و خانهای بختیاری بود و سه درصد توافق شده در آخر بند دوم قراردادی که امضا کردند، گنجانیده شد.

قبل از آنکه به بحث و بررسی دربارهٔ قرارداد بین بختیاریها و طرف انگلیسی بپردازیم لازم است روندی را که منجر به عقد قرارداد شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. با دقت در محتوای نامه‌های رد و بدل شده بین خانهای بختیاری، دولت ایران، داری و نماینده او و سفارت انگلیس به نکاتی چند می‌توان پی برد:

نخست آنکه، دولت مرکزی ایران از درخواستهای خانها نگران بود. آنچه این نگرانی را افزایش می‌داد شدت گرفتن روند نزدیکی و ارتباط مستقیم بین خانهای بختیاری و انگلیسیها بود، امری که قبل از آن محمدتقی خان کنورسی (چهارلنگ) و حسینقلی خان زراسوند (هفت‌لنگ)، جان خود را بر سر آن گذاردند.

اینک به فاصله کوتاهی از آن ایام، خانهای بختیاری به طور رسمی با انگلیسها وارد مذاکره شده بودند، امری که با مذاکرات مربوط به امتیاز لنینج آغاز شد و شاید دولت



سمران و خواتین بختیاری و فرزندان ایشان در اواسط دوره قاجاریه | ۱۳۵-۷

مرکزی ایران هرگز پیش‌بینی نمی‌کرد که واگذاری امتیاز احداث جاده کاروان‌روی بختیاری به خانها و آزاد گذاردن آنها برای عقد قرارداد با اتباع خارجی، برادران لینچ راهی گشوده است که دیگر بستن و بازگشت از آن راه، به سادگی امکان‌پذیر نیست.

دیگر آنکه، طبق مواد سوم، نهم، هشتم، چهاردهم و شانزدهم قرارداد نفت، دولت ایران و صاحب امتیاز، تعهداتی نسبت به یکدیگر داشتند که اقدام خانهای بختیاری در مطالبه سهم معینی از اسهام شرکتهای نفتی که در منطقه بختیاری به فعالیت می‌پرداختند این تعهدات را خدشه‌دار می‌ساخت؛ به طور مثال، مواد هشتم و شانزدهم، داریسی را موظف می‌ساخت تا حداکثر دو سال پس از عقد قرارداد، مبادرت به تشکیل شرکت نماید و: «صاحب امتیاز مکلف است که بدون تأخیر، به خرج خود، اجزای علمی لازمه با اسباب و آلات و ادوات استخراج به جهت تعمیق و کندن چاهها و امتحانات لازمه بفرستد.»^{۳۵}

اقدام خانهای بختیاری ناقض این دو بند قرارداد بود و مانع تراشی آنها برای جلوگیری از کار رینولدز و به تبع آن داریسی را باید از این زاویه نیز نگریست.

همچنین، درخواست ده درصد از اسهام، با عطف توجه به اینکه سهم دولت ایران شانزده درصد بیش نبود، نکته‌ای نبود که بتوان از آن به سادگی گذشت، ضمن آنکه طبق ماده چهاردهم قرارداد داریسی حفظ امنیت افراد، اسباب و منطقه عمل و کار صاحب امتیاز، با دولت ایران بود و اکنون این دولت مرکزی ایران بود که می‌باید علاوه بر جلوگیری از درخواستهایی که ناقض قرارداد داریسی بود، امنیت مورد نیاز را تأمین کند. ولی مشاهده واکنش دولت ایران در برابر خانهای بختیاری از یک سو و اقدامات داریسی و سفارت انگلیس در تهران از سوی دیگر، ضعف و سستی دولت ایران را در کنترل اوضاع، به ذهن متبادر می‌کند. این در حالی بود که رقابت روس و انگلیس در ایران، به اوج خود رسیده بود.

مطلب دیگر آنکه، این ادعا که دولت انگلستان درصدد بود تا قدرتهای گریز از مرکز و قبایل مرکزی را که با آنها در رابطه بود بر ضد دولت مرکزی تحریک و تشویق نماید، در این برهه از زمان و در این مورد خاص بعید به نظر می‌رسد. تأکید هاردینگ در نامه به دولت ایران، نشان‌دهنده این است که سفارت انگلیس و به تبع آن، دولت آن کشور درصدد تا به جای پاسخگویی به خانها، دربار قاجار را درگیر پاسخگویی نمایند و البته در این راستا از تهدید به کاستن سهم دولت ایران در ازای واگذاری حقی به خانهای

بختیاری خودداری نشد، موضوعی که در نتیجه ناکامی دولت ایران در مجاب ساختن خانهای بختیاری در عمل به تعهدات خود، طبقاً انگلیسیها را در عقد قرارداد با بختیارها، محق جلوه می‌داد.

خانهای بختیاری نیز به واسطه قبول سه درصد سهام، از سوی برخی مورد استفاد قرار گرفته‌اند؛ به طور مثال، دانش عباسی شهنی در کتاب تاریخ مسجد سلیمان، قبول سه درصد از سهام را ناشی از نداشتن دید سیاستمدارانه می‌داند،^{۳۶} ضمن آنکه پریس چنین ذکر می‌کند که خانها از سهام و چیزهایی مشابه اطلاعی نداشتند؛ به عبارت دیگر، خانها نیز به عواقب حقوقی و مالی قضیه به طور بایسته نیندیشیده بودند.

متن قرارداد در ۱۷ رمضان ۱۳۲۳ق/۱۵ نوامبر ۱۹۰۵م توسط صمصام‌السلطنه، شهاب‌السلطنه، صارم‌الملک و علی‌قلی بختیاری از یک سو و پریس سرکنسول بریتانیا در اصفهان، رینولدز، سه مهندس اعزامی از سوی داری و نماینده او و امین‌الشریعه اصفهانی به امضا رسیده است (امین‌الشریعه منشی اول کنسولگری بریتانیا در اصفهان بود).

صورت فنی‌تراتی [کنتراتی] است که واقع شد فی‌مابین طرفین که یک طرف آن مستر داری و شرکاء کمپانی امتیازات و طرف دیگر خوانین عظام بختیاری است، از قرار فصول شش‌گانه ذیل:

فصل اول: در مدت پنج سال شرکاء کمپانی حق دارند در خاک بختیاری همه قسم امتحانات و همه نوع ملاحظات عمیق و امتیازات و تفحصات نمایند برای پیدا کردن نفت، و شوارع و راهها و راه لوله‌ها برای این کار و هر چه لازم و صلاح بدانند، بسازند؛ و نیز منزله‌ها بسازند و هر چیز که لازم بدانند برای اتمام و نیل به مقصود و اسباب و دستگاه و غیره و غیره تهیه و استعمال نمایند و هر قدر زمینی که لازم می‌شود برای این کار و مقصود، خوانین عظام بختیاری بدانند [بدهند] و زمین به جهت ساختن مسکن اشخاص و هر قدر لازم شود اگر زمین مزروع آبی یا دیمی است شرکاء کمپانی قیمت عادلانه وقت آن را بدانند [بدهند] و هر کجا عمارت منزل و مسکن ساختند و برج برای منزل مستحفظین نزدیک عمارت بسازند که در هر برجی ده نفر مستحفظ بتواند سکنی نماید و اگر اختلافی در قیمت عادلانه حاصل شد، رجوع شود در رفع اختلاف و تعیین قیمت عادلانه به ویس قنسول دولت بهیه انگلیس مقیم محمره و حاکم اردو که مطابق فصل چهارم، باید خوانین عظام معین نمایند؛ و به جهت این کارها و برای مستحفظین منازل و اسباب و غیره و همه نوع مواظبت برای کسانی که جست‌وجو می‌نمایند و چاه حفر درست می‌کنند و برای تمام

۳۶. شرکت ملی نفت ایران. تاریخچه و متن قراردادهای نفتی مربوط به ایران. ص ۴-۲.

اجزاء، عمله، جایی که در این کارها شرکاء کمپانی در تسهیل و اجراء مقصود خوانین عظام، هر سالی دو هزار، (۲۰۰۰) لیره انگلیسی حق گرفتن دارند و این قنطرات [کثرات] باقی است تا هر مدتی که شرکاء کمپانی صلاح می‌دانند در خاک بختیاری کار کنند. و اگر قبل از پنج سال شرکاء کمپانی نخواستند کار کنند خوانین عظام حق مطالبه مبلغ مرقوم را ندارند و مادامی که مشغول کار هستند مبلغ مرقوم را هر سه ماه پیش بگیرند و قسط اول که پانصد لیره انگلیس است بعد از امضاء شدن این قنطرات [کثرات] داده خواهد شد و در مقابل مبلغ مرقوم که خوانین عظام می‌گیرند مسئول هستند که برای هر دزدی که واقع می‌شود یا ضرر و خرابی‌ای که برسد از ایل بختیاری و غیره در خاک بختیاری، اشخاص و اجزاء کمپانی و منزلها و دستگاهها، ماشینها و راهها و اسباب و اموال اردو و اجزاء و غیره که تمام وارده در خاک بختیاری را خوانین باید از عهده غرامت برآیند؛ و پول نقد را وکیل کمپانی در صندوق آهنی نگاهدارد که دورتر از خط [خطر؟] باشد. پس باید با مراقبت کامله مستحفظین صحیح بگمارند برای شارع و برای راهی که ساخته می‌شود و نیز برای اشخاص و منزلها و دستگاهها و ماشینها و اسبابها و اموالها و غیره؛ و قبل از پیدا شدن نفت، خوانین عظام دو اردو مستحفظین برای حفاظت مرقومات در دو نقطه، که وکیل کمپانی معین می‌نمایند، بگذارند و همین که نفت پیدا شد هر قدر اردوی مستحفظین لازم بشود در نقاط متعدد، خوانین عظام بگذارند که در هر صورت حفاظت مرقومات حاصل بشود.

فصل دوم: اگر در خاک بختیاری نفت منظور شرکاء کمپانی حاصل شد و خواستند مشغول تصفیه نفت و تجارت بشوند، طرفین قبول و اجراء می‌نمایند شروع مرقومه فصل اول را تا امتداد و انقضاء زمان امتیاز کمپانی؛ و در این صورت، شرکاء کمپانی قبول می‌نمایند که بعد از آنکه راه لوله‌هایی برای نفت را ساختند و نفت در لوله‌ها [جاری شد] و منازل و اشخاص و اجزاء و اسباب و غیره در خاک بختیاری و خاک خوانین [ساخته شد] هر سالی یک هزار لیره انگلیسی اضافه بر مبلغ مرقوم فصل اول بدانند [بدهند] و مجموعاً سه هزار لیره انگلیسی اضافه بر مبلغ مرقوم پیش بدهند و نیز بعد از کمپانی نفت در خاک بختیاری و جویا شد [جاری شد] نفت در لوله‌ها، از هر کمپانی نفت واحد یا متعدد که تشکیل یافت در خاک بختیاری، از هر صد، سهم شرکت متداولی عمومی سه سهم شرکت به خوانین عظام بختیاری [متعلق] باشد و قیمت سه سهم شرکت را از خوانین بگیرند و حق مطالبه سه سهم را ندارند.

فصل سوم: شرکاء کمپانی قبول می‌نمایند در صورتی که چاه نفتی که [در] محال خوانین عظام بختیاری دایر گردید و استعمال می‌نمایند کلیتاً نسبت [به]

اعمال شرکاء کمپانی خراب و عاطل و باعث ضرر خوانین عظام بختیاری شدند، برای رفع این نوع ضرر خوانین را راضی نمایند، و اگر فیما بین طرفین در این فقره اختلافی شد رجوع شود به قونسول جنرال دولت انگلیس مقیم اصفهان که واسطه و حکم باشد در رفع اختلاف مزبور.

فصل چهارم: خوانین عظام بختیاری باید حاکم و رئیس متشخص مخصوص معین نمایند در اردوهای مستحفظین و عملیات ایرانی که باعث تسهیل و اجراء مقاصد شرکاء کمپانی باشد؛ و هر کدام از مستحفظین و اجزاء و عملهجات ایرانی کوتاهی در خدمت خود بنمایند و مسالحه [مسامحه] نمایند و در صورت وقوع، مقصرین را وکیل کمپانی تنبیه و مجازات دهند و از هر جهت تسهیل اعمال و مقاصد و کارها و حفاظت مرقومات و امنیت و اطمینان شرکاء کمپانی را حاصل نمایند.

فصل پنجم: پولی را که خوانین عظام بختیاری به موجب این قنطرات [کنترات] از شرکاء کمپانی می‌گیرند در مقابل اعمال و کارهای مشروحه است که در این قنطرات [کنترات] معین شده است. پس اگر خوانین عظام یا مأمورینشان مسامحه در کارهای مشروحه و مرقومه و حفاظات مزبوره نمودند، شرکاء کمپانی حق دارند مطالبه غرامت و ضرر خود را از قوانین بنمایند و به اطواع جنرال قونسول دولت بهیه انگلیس در اصفهان [برسانند]؛ ولی قنطرات [کنترات] باطل نمی‌شود و خوانین معظم‌الیه ضامن و جواب‌ده هستند برای هر شخص مدعی و مزاحم مشروع قنطرات [کنترات] مزبور.

فصل ششم: بعد از انقضاء مدت امتیاز کمپانی از دولت، هر قدر عمارت در خاک بختیاری که متعلق به کمپانی باشد متعلق به خوانین عظام خواهد بود.^{۳۷} امضاءکنندگان: صمصام‌السلطنه، علی قلی سردار اسعد، شهاب‌السلطنه، صارم‌الملک امین‌الشریعه. به طور کل، موارد ششگانه قرار [داد] شامل چهار قسمت است: اول: تعهدات خوانین بختیاری در واگذاری اراضی مورد تأمین حفاظت از افراد و اموال کمپانی و پرداخت غرامت از سوی آنها، در صورت بروز سرقت یا سانحه دیگری که به وظایف خوانین مربوط بود.

دوم: تعهدات کمپانی در پرداخت زمانبندی پرداختهای خود و واگذاری سه درصد از سهام هر شرکتی که در سرزمین بختیاری فعالیت کند و همچنین واگذاری ابنیه و تأسیسات و عمارات موجود در خاک بختیاری در پایان مدت امتیاز به خوانین.

سوم: پرداخت ابتدا دو هزار لیبره به طور سالیانه قبل از کشف و انتقال نفت و هزار لیبره اضافی به صورت اقساط سه ماهه در هنگام کشف و جاری شدن نفت در خطوط انتقال.
چهارم: دخالت و حکم قرار گرفتن کنسولهای بریتانیا در محمره و اصفهان در صورت بروز اختلاف.

گرچه در نگاه اول، تعهدات طرفین مشخص و معین بود ولی با توجه به تغییراتی که به دنبال اختلافات عمیق و ریشه‌دار بین آنها می‌توانست بروز نماید، و بعدها نیز بروز یافت، نکته مهم از نظر کمپانی و به تبع آن دولت انگلیس آن بود که ثبات و آرامش در وضعیت خانها وجود داشته باشد و از هر گونه تغییر جلوگیری کند. این موضوع خود زمینه‌ای برای دخالت آشکار دولت بریتانیا در امور داخلی بختیارها و آنها به حساب می‌آمد. همچنین پیش‌بینی قضاوت و حکم قرار گرفتن دو نماینده سیاسی بریتانیا در اختلافات احتمالی نشان از میزان حساسیت و دقت دولت آن کشور در امر نفت بود.^{۳۸}

نتیجه

گرچه بختیارها در طول سالهای قرن نوزدهم، به ویژه نیمه دوم، دارای روابطی با انگلیسیها بودند ولی این ارتباط را نمی‌توان یک ارتباط دقیق، مستقیم و رسمی به حساب آورد. با شدت گرفتن و اوجگیری رقابت بین انگلیس و روسیه در ایران و گسترش علائق سیاسی - بازرگانی بریتانیا در ایران، سرزمینهای تحت کنترل بختیارها نیز، به عنوان معبری تجاری بین مناطق جنوبی و مناطق مرکزی و اصفهان، در مسیر تبادل اعمال نفوذ همسایه جنوبی و رقابت دولتیین قرار گرفت و نتیجه این رقابت ابتدا در قالب قرارداد بین خانهای بختیاری و کمپانی برادران لینچ، که باعث ایجاد روابط رسمی بین دو طرف شد، ظاهر گردید.

روابط تازه‌جان گرفته بین بختیارها و انگلیسیها با واگذاری امتیاز نفت به داری و اکتشاف نفت در اراضی متعلق به بختیارها وارد مسیر تازه‌ای شد. این روابط علاوه بر فراز و نشیبهای خاص خود، توانایی مالی و گشوده شدن افقهای جدیدی را برای خانهای بختیاری در پی داشت که اولین مرحله از این فراز و نشیب، امضای قرارداد بین بختیارها و داری با مشارکت و نظارت فعال نمایندگان سیاسی انگلیسی بود.